

شما خودتان را در جایگاهی می بینید که به مراجع بزرگواری که شاید شاگرد آنها هم محسوب نمی شوید، امر و نهی کنید. از خلاف گفتن هاتان برگردید.

روزتان به شب نمی رسد اگر توهینی نداشته باشید!



رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با انتشار بیانیه ای به سخنان آیت [] یزدی واکنش نشان داد.

به گزارش اسپادانا خبر، متن کامل بیانیه آیت [] آملی لاریجانی بدین شرح است:

بسم ... الرحمن الرحیم

حضرت آیت ... آقای حاج شیخ محمد یزدی

چندی است که نمایشی در کشور بر اساس سناریوهای از پیش طراحی شده علیه اینجانب برافراشته است. بنا نداشتم با توجه به گرفتاری های مختلف مردم و کشور نسبت به این حرکات، پاسخی دهم و لکن اکنون احساس می کنم بازی های صدا و سیما و برخی نهادهای دیگر به نقطه ای رسیده است که سکوت در مقابل آن جایز نیست و البته در موقع مناسب به تفصیل در مورد ابعاد آن صحبت خواهم کرد. متأسفانه اخیراً جناب عالی مطالبی مطرح کرده اید که علاوه بر خلاف واقع بودن و موهن بودن، ریشه در همان امور دارد. قبلاً هم مکرر در جلسات شورای نگهبان یا مجالس دیگر، مطالبی از این دست بیان کرده اید که بنا به مصالحی در مقابل آن سکوت کرده ام. اما اکنون می بینم این سکوت ها نه فقط اسباب تنبیه حضرتعالی نشده، بلکه بیشتر هم رفته اید و مطالب خلاف واقع و توهین های دیگری هم بر آن افزوده اید.

مطالبی از جلسه روز یکشنبه شما با مسئولان مرکز بسیج اساتید و نخبگان حوزه علمیه پخش شده است که در وهله اول باور نمی کردم شما چنین سخنانی گفته باشید و لذا از طرق مختلف پی گیری کردم تا صحت انتساب مطالب برایم محرز گردد. همه بر اصل صدور این مطالب از جناب عالی تأکید کردند، منتها امر غریب تر آنکه گفتند مطالب موهن بسیار دیگری هم بوده که بعد از چند بار ویرایش، حاصلش همان شده که منتشر شده است.

جناب آقای یزدی، چرا به این وضعیت افتاده اید؟ در یک پاراگراف که از شما نقل کرده اند، خوبست که چند تا خلاف واقع گفته باشید و چند تا توهین؟!

گفته اید: "فلانی می گوید اگر این کار را نکنید نجف می روم! خوب بروید. آیا با رفتن شما قم به هم می خورد؟ شما در قم بودنتان هم خیلی مؤثر نبود، چه رسد که نجف بروید. رئیس دفتری که 10 سال، جای مهمی را اداره کرده دستگیر می شود، بعد اعتراض می کنید که چرا گرفتید؟! به اسم مدرسه علمیه، کاخ ساختید! آیا ارث پدرت بود، از کجا آوردی ساختی؟"

اولاً بنده هیچگاه نگفتم که اگر فلانی را دستگیر کنید نجف می روم. این دروغی است که عده ای شایع کرده اند و دفتر بنده هم رسماً آنرا تکذیب کرده است، حال شما چه انگیزه ای دارید که این دروغ را تکرار می کنید؟

بنده هیچگاه از هیچ فرد متخلف یا فاسدی حمایت نکرده و نخواهم کرد. اگر معاون اجرایی حوزه ریاست مرتکب جرم یا فساد شده، تعقیب و رسیدگی عادلانه به جرم او، طبق قاعده و وظیفه دستگاه قضایی است و مسلم است که بنده هم قائل به استثناء در این جهت نیستم.

ثانیاً به نحو توهین آمیزی گفته‌اید: "شما در قم بودنتان هم خیلی موثر نبود چه رسد که نجف بروید".

جناب یزدی، بنده طلبه‌ای بیش نیستم و هیچگاه ادعا نکرده‌ام که وجودم چه در قم و چه در هر جای دیگری، "خیلی موثر" است. گرچه شخصیت‌هایی همچون مقام معظم رهبری و برخی مراجع بزرگوار، بارها و بارها در مورد این فقیر کلماتی بکار برده‌اند که از نقل آنها استحیا می‌کنم، چون خود را لایق آنها نمی‌دانم. تأثیر بنده همین است که هست: سالیانی برای عده‌ای در حوزه و دانشگاه تدریس کرده‌ام، آثاری را هم پدید آورده‌ام. میزان تأثیر آن هم در حد خود، یک امر واقعی است، نه با خواست بنده بیشتر می‌شود و نه با توهین و تحقیر شما کمتر. اما شما در عرصه تحقیق و پژوهش‌های علمی چه کرده‌اید؟

آیا جز با صدای بلند و داد و قال، به مسئولین و بزرگان توهین کردن و افترا زدن و تحقیر کردن، کار دیگری هم کرده‌اید؟ شما با آیت ... شبیری حفظه‌الله، چه کرده‌اید؟ با مرجعی که آیتی است در علم و تقوی و اخلاق و متانت و مروت و انصاف و بزرگواری. آخر چرا به خودتان اجازه می‌دهید به همه توهین کنید. هیچ بررسی کرده‌اید که علماء و فضلاء در قم، به آثار شما و به گفته‌های شما چگونه نگاه می‌کنند؟! چقدر آنها را جدی می‌گیرند؟ کافی است کسی نیم نگاهی به مکتوبات شما ذیل "کتاب القضاء" مرحوم سید صاحب عروه، بیندازد تا میزان اثر شما در حوزه معلوم شود و معلوم شود حد تحصیلات جنابعالی و استفراغ وسعتان در باب استنباط احکام. متأسفانه ظاهراً حتی توجه نکرده‌اید که "کتاب القضاء" سید (برخلاف جلد اول عروه) کتاب استدلالی است، چقدر آنرا تخریب کرده‌اید. ایکاش شما صرفاً آنرا ترجمه می‌کردید که اقللاً خواننده بدانند با سخنان چه کسی روبروست.

از کسی که در جلسه شما حضور داشته نقل شده است که جنابعالی برخوردارتان در شورای نگهبان با بنده را هم مطرح کرده، گفته‌اید آنجا هم حق با شما بوده است و شما را مجبور کرده‌اند که از من عذرخواهی کنید: من بنا نداشتم راجع به وضعیت شما در شورای نگهبان چیزی در علن بگویم اما سخنان شما مرا ملزم می‌کند. آقای یزدی بخدا سوگند در همین مورد هم خلاف می‌گویید. در شورای نگهبان، سخنان غیردقیق، غیر مستدل و حتی نامربوط شما برای اعضاء روشن است، اگر سکوت می‌کنند و چیزی نمی‌گویند، حرمت پیرمردی شما را پاس می‌دارند.

شما در آن جلسه کذایی شورا، بدون اینکه بدانید مساله چیست، به خیال آنکه هنوز بحث در مساله قبلی است که راجع به آن رای گیری شده و به تصور اینکه بنده بعد از رای گیری مجدداً بر حرف خودم اصرار می‌کنم، مثل همیشه شروع کردید به داد و قال کردن و توهین کردن و همه هاج و واج مانده بودند که شما چه می‌گویید. آیت... مدرسی و آقای دکتر کدخدایی به شما تذکر دادند که آقا آن مساله گذشته است و فعلاً بحث بر سر چیز دیگری است. این را هم ظاهراً متوجه نشدید و به توهین کردن‌های خودتان ادامه دادید و خطاب به آقای جنتی گفتید که رئیس باید جلسه را اداره کند و آیین نامه جلسات رعایت شود.

جناب یزدی، بنده که طبق نوبت و در مساله جدید بحث می‌کردم. شما در چه عوالمی بودید؟!

البته اینگونه مشکلات از ناحیه جنابعالی در شورای نگهبان کم نیست. ما از شما فهم کلمات محقق نائینی و محقق عراقی و محقق اصفهانی را نمی‌خواهیم که انتظاریش بی مورد است! اما دقت در همین عبارت‌های فارسی قوانین مصوب مجلس و دقت در بررسی خلاف قانون و یا خلاف شرع بودن آنها انتظار به حقی است که متأسفانه گاه این هم مفقود است. چه کنیم، آشکو بئی و حزنی الی [] .

ثالثاً گفته‌اید " رئیس دفتری که 10 سال، جای مهمی را اداره کرده و دستگیر می‌شود ، بعد اعتراض می‌کند که چرا گرفتید".

در همین یک جمله دو خلاف واقع گفته‌اید: اولاً شخصی که دستگیر شده رئیس دفتر اینجانب نبوده، رئیس دفتر بنده، آقای خلفی بود که در سلامت نفس و تقوا و فضل، در میان خاص و عام در قوه قضاییه مشهور بوده و هست. آن آقا که اشاره کرده‌اید مسئول یکی از ده‌ها زیرمجموعه حوزه ریاست، بعنوان معاونت اجرایی حوزه ریاست بود. وی در واقع یکی از معاونت‌های آقای خلفی بود و نه رئیس دفتر بنده.

ثانیاً اینجانب هیچگاه اعتراض نکرده‌ام که چرا گرفته‌اید، دستگاه قضایی خود باید بگوید. سخن بر سر فضا سازی‌های رسانه‌ای است. همه این فضا سازی‌ها نشان از آن دارد که یک پروژه بزرگتری در پس این القانات نهفته است و آن تخریب اینجانب و شاید هم تخریب‌های دیگر. مساله همین است. و الا بنده سینه‌ام خزانه الاسرار اتهامات مجموعه‌ای از معاونان، قائم مقامان و آقازاده‌های مسئولان و شخصیت‌هاست و ظاهراً امروز هم هزینه ایستادگی در رسیدگی به آنها را می‌پردازم. اما نکته این است که آیا کسانی که امروز برای شفافیت و مبارزه با فساد سینه‌چاک می‌کنند و ماه‌ها برای دستگیری فردی که نه معاون بنده بوده و نه رئیس دفتر بنده، بلکه مدیر یکی از اجزاء حوزه ریاست تحت اشراف شخصیتی سالم ، فاضل و شریف چون آقای خلفی بوده، فضا سازی کرده‌اند، آیا همین کار را برای آقای شریفی قائم مقام شهردار اسبق تهران و آقای سیف معاون اقتصادی اطلاعات سپاه و ... کرده‌اند و فساد آنها را به آقای قالیباف و آقای طائب و دیگران سرایت داده‌اند؟! او اسفا از این ظلم و بی عدالتی و بی مروتی.

برای اینکه بنده را تخریب کنند، اول در فضای مجازی تا توانستند شأن آن متهم را بالا بردند: نه فقط در رسانه‌های ضد انقلاب ، بلکه در همین رسانه‌های رسمی داخلی از صدا و سیما گرفته تا خبرگزاری‌های رسمی. خبرگزاری مهر در این رابطه نوشته بود: "یک مقام ارشد قضایی بازداشت شد". آخر چرا این دروغ‌های شاخدار را می‌پراکنید؟ اصلاً این آقا مقام قضایی بود تا ارشد باشد؟! در همین رسانه ملی ، برخی خبرنگاران در این باره طوری سخن گفتند که گویی نقش بی بدیلی در مدیریت

دستگاه قضایی داشته است.

و همه اینها دروغی بود فوق دروغ. مدیریت دستگاه قضایی در دست مسئولان عالی قضایی بود: یکی نیست از این خبرگزاری ها و صدا و سیما بپرسد این آقا در تصمیمات کدام مسئول قضایی موثر بوده است؟

آقای محسنی، آقای خلیفی، آقای منتظری، آقای کریمی، آقای ذوالقدر، آقای امینی، آقای تویسرکانی و... اصلاً این مقامات دستگاه قضایی به وی اعتنایی می‌کردند؟ مدیریت کلی اینجانب بر دستگاه قضایی از ناحیه همین مدیران ارشد و روسای دادگستری‌ها بوده است. بگویید در کدام مورد بنده توصیه خاصی نسبت به این فرد کرده‌ام. پس پرده همه این قضایا جز همان پروژه برخی نهادها با کمک برخی دیگر نیست که انشاء... شرح مفصل آن را در مقام دیگری بیان خواهم کرد.

رباعاً گفته‌اید "به اسم مدرسه علمیه، کاخ ساختند! آیا ارث پدرت بود، از کجا آوردی ساختی"

واقعاً اینگونه ادبیات تا بحال در حوزه‌های علمیه در این سطوح سابقه داشته است؟

بنده در همین ساختمان جامعه مدرسین برای نمایندگان طلاب و فضلاء به طور مبسوط مسأله ساختمان مدرسه علمیه ولی عصر را توضیح داده‌ام و شما حتماً اجمال آن را شنیده‌اید. یکبار هم که در منزل خودتان حضوری توضیح داده بودم ولی گویی بنای شما بر این است که بر مطالب خلاف واقع تان اصرار بورزید و با اینکه برای شما مسأله را توضیح داده‌ام و حجت را تمام کرده‌ام باز همان خلاف واقع‌ها را تکرار می‌کنید. خلاصه آنچه را گفته‌ام، برای آگاهی عموم عرض می‌کنم:

1- استناد دادن ساختمان مدرسه به این جانب خلاف واقع است. مدرسه علمیه ولی عصر وقف است. واقف آن هم مرحوم والد ما، آیت... العظمی میرزا هاشم آملی قد سره بود (که انشاء... نمی‌فرمایید مگر ارث پدرش بود!) متولی این وقف هم امروز، بنده نیستم. فقط بجهت اینکه امور مدرسه زمین‌نماند، وکالتی به بنده داده‌اند. زمانی که مدیر مدرسه وضعیت نابسامان ساختمان قبلی مدرسه را مطرح کردند، بنده به جهت اشتغال در قوه قضاییه به ایشان گفتم که اینجانب در ساخت مدرسه هیچ دخالتی نمی‌کنم و این از باب مصالح مختلفی بود که بنای بر رعایت آنها داشتم از جمله همین حرف و حدیث‌ها که جنابعالی گاه و بی‌گاه بیان می‌کنید. ایشان بعد از مدتی گفت یکی از آشنایان ما که مساجد و ساختمان‌های مشابهی ساخته است، حاضر است ساختمان مدرسه را بعهده بگیرد و بانیانی هم برای اینکار بیاید. بنده هم گفتم به شرط آنکه هیچ ارتباطی به اینجانب پیدا نکند، مانعی ندارد.

حالا جناب آقای یزدی بفرمایید استناد ساخت این مدرسه به بنده چیست؟ می‌فرمایید "از کجا آوردی ساختی" آقای عزیز اول استناد ساخت مدرسه به بنده را ثابت کن، بعد بپرس از کجا آوردی.

ثانیاً مساجد و مدارس علمیه همیشه بانیانی دارد که مساعدت می‌کنند، چه اتفاق خاصی در این مورد افتاده است که آنهمه مدارس علمیه از پاسخگویی به این سوال مستثنی هستند و این مدرسه باید پاسخگو باشد.

2- با لحنی بی‌ادبانه گفته‌اید "آیا ارث پدرت بود"، می‌گویم نخیر ارث پدرم نبود! مگر اینهمه مدارس دیگر در قم و سطح کشور ساخته می‌شود ارث پدرشان است؟ مگر همین ساختمان‌هایی که حضرتعالی از آنها استفاده می‌کنید، از ارث پدرتان ساخته شده است؟ آخر این چه فهمی است و چه استدلالی؟!

3- گفته‌اید "به اسم مدرسه علمیه، کاخ ساخته‌اند". آخر چرا خلاف می‌گویید: شما یکبار هم که داخل آنرا ملاحظه نکرده‌اید، چرا نشر اکاذیب می‌کنید. اگر مقصودتان ظاهر آن است، همین ساختمان‌هایی که شما از آن استفاده می‌کردید هم‌مینطور بود: ساختمان مرکز تحقیقات دبیرخانه خبرگان که با لطایف الحیل از دست مسئولین آن وقت درآوردید و به عنوان نائب رئیس مجلس خبرگان محل کار خود قرار دادید در همین قد و قواره و وزن بود، نفرمودید کاخ ساخته‌اند، بلکه با اشتیاق تمام به آن ساختمان نقل مکان فرمود.

4- مدتی در قم غائله برپا کرده بودند خصوصاً برخی از نمایندگان قم که این ساختمان برخلاف قوانین و ضوابط و با دخالت رئیس قوه ساخته شده است که البته همه اش کذب بود. اینجانب کمترین توصیه‌ای برای نحوه ساخت آن نداشتم و بعد از تحقیق کاملی که شرحش را در همان جلسه پیش گفته، ارائه کرده‌ام، روشن شد ساختمان مدرسه بر اساس قوانین و ضوابط جاری ساخته شده و هیچ تخلفی صورت نگرفته.

شهردار سابق هم به تفصیل این نکته را تبیین کرده است و اینکه پروانه ساختمان و مجوزهای صادره بر اساس مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری بوده است.

نکته آخری که بدان اشاره می‌کنم اینکه جنابعالی در سخنانی در هفته پیشتر هم باز به رئیس سابق قوه قضاییه و نحوه کارش پرداخته بودید، گویی روزتان به شب نمی‌رسد اگر تعریضی، توهینی و افترا بی‌نداشته باشید. گفته بودید با آمدن آقای رئیسی قوه قضاییه بحمد... از رکود خارج شد و دیگر مردم امیدوارند که پرونده‌ها پنج سال طول نکشد.

اینکه رئیس جدید قوه قضاییه بتواند گامی برای ارتقاء دستگاه قضایی بردارد، خواست همه ما است.

قوه قضاییه ملک شخصی کسی نیست. رکن نظام است و همه باید به ایشان کمک کنند تا بتواند پیشرفتی برای دستگاه

قضایی به ارمغان بیاورد. این روشن است اما تعریض شما به اینکه قوه قضاییه در رکود بود، کذب است. دستگاهی که در سال 97 قریب هفده میلیون پرونده رسیدگی کرده در رکود بوده؟

طبق آمار مرکز آمار و فناوری اطلاعات، در طول سالهای متمادی حضور بنده در دستگاه قضایی، هر سال میزان خروجی پرونده‌ها یا بیش از ورودی بوده و یا چیزی در حدود آن. با این حساب دستگاه قضایی در رکود بوده است؟ آقای یزدی شما و انصافتان: از خلاف گفتن هاتان برگردید.

در طول این ده سال قریب شش هزار قاضی جذب دستگاه قضایی شده و در نتیجه عدد قضات به بیش از یازده هزار نفر رسیده، در حالی که کل آنها قبلاً قریب هفت هزار نفر بودند. این رکود است!

در طول این ده سال تشکیلات دستگاه قضایی تحولات بسیاری پیدا کرده از جمله تاسیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات که موجب تحولات قابل توجهی شده است، همینطور تحولات اساسی در سازمان ثبت که رئیس سابق آن آقای توپسرکانی با شجاعت به پیش برده بود. همینطور در معاونت منابع انسانی و معاونت راهبردی و دیوانعالی کشور. تحولات اساسی در ساختار نظارتی قوه قضاییه و تحولات بسیار دیگر که اینجا مجال ذکرش نیست.

به اعتراف رئیس دادگستری وقت تهران که اکنون سخنگوی قوه است، در طول این ده سال، بیش از صد سال عدلیه، امکانات برای دادگاه‌ها و دادرسی‌ها فراهم گردیده است. اینهم رکود است؟!

جناب آقای یزدی، با شعار دستگاه قضایی از رکود خارج نمی‌شود و با تبلیغات سوء، تحولات چشمگیر سابق، رکود محسوب نمی‌شود. باید دید شاخص‌ها چگونه تغییر کرده‌اند. حضرتعالی چه تحقیق مستقلاً انجام داده‌اید که محرز شده است در ظرف همین چهار پنج ماه اکنون نرخ رشد تعداد پرونده‌های رسیدگی شده، بیشتر شده و یا نرخ رشد تعداد قاضی جذب شده، بیشتر شده و ...

همین دادگاه‌های مفاسد اقتصادی که برگزاری آنها موجب خوشحالی مردم و تقدیر آنها شده است، کارهای اصلی اش که همان تحقیقات و رسیدگی‌های دادرسی آنها است، عمدتاً در زمان این حقیر انجام شده است.

پس برگردید از آن قضاوت‌های ناصواب و ناعادلانه تان.

جناب آقای یزدی مشکل اصلی جنابعالی این است که فکر می‌کنید قوه قضاییه حوزة علمیة هستید و می‌خواهید به همه امر و نهی کنید. متأسفانه شما خودتان را در جایگاهی می‌بینید که نه تنها مرجع تعیین کنید، بلکه به مراجع بزرگواری که شاید شاگرد آنها هم محسوب نمی‌شوید، امر و نهی کنید و این با رویه‌های حسنه‌ای که در حوزه علمیة برقرار بود، هیچ تناسبی ندارد. فاعتبرو یا اولی الابصار. والحمد لله رب العالمین.

صادق لاریجانی

26/5/98

برچسب‌ها: [قوه قضاییه](#) [1]

[شورای نگهبان](#) [2]

[مجمع تشخیص](#) [3]